

تدوین راهکارهای ارتقای جایگاه طراحی شهری در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری در ایران

جمشید نقیلو^۱، آرش ثقفی اصل^۲

^۱ دانشجوی دکتری رشته طراحی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^۲ استادیار، گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

نام نویسنده مسئول:

آرش ثقفی اصل

چکیده

در چند دهه اخیر، مقاله ها و کتابهای علمی متعددی در باب مبانی نظری طراحی شهری نوشته و منتشر شده است. اما در واقعیت، هنوز «کیفیت فضاهای شهری» به عنوان مهمترین دغدغه این دانش و حرفه، در بسیاری از شهرهای دنیا و به طور خاص در کشور ما نمود عینی خود را نیافته است. عملیاتی کردن دانش طراحی شهری، به کمک تدوین و تنظیم چارچوبها، الزامات و شاخصهای آن در متون قانونی کشور، به عنوان اسناد بالادست و برنامه های هدایت توسعه، امکانپذیر میشود. در ایران با وجود گذشت چهار دهه از تهیه و اجرای این طرحها، اما در عمل مبانی نظری این طرحها بر پایه الگوی گدسی (شناخت/ تحلیل/ طرح) استوار است و تکیه بر اهداف فیزیکی و کالبدی و ارائه طرحهای کالبدی محتوای اصلی اندیشه تهیه این طرحها را در بر می گیرد. البته در چند ساله اخیر تلاشهایی در جهت اصلاح نارساییهای این طرحها و همگامی با تحولات زمان از سوی سازمانهای تهیه کننده (وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور، مهندسين مشاور) همانند بازنگری در شرح خدمات طرحها صورت گرفته اما به دلیل مشکلات زیر ساختی همانند مشکلات سازمانی، قوانین و مقررات، مشکلات اجتماعی و سیاسی مربوط به درک متقابل مردم و حکومت در فرایند مشارکت تهیه و اجرای طرحها این اقدامات نتوانسته اند کاملاً موفق باشند و به همین دلیل نقش طراحان شهری در طراحی و تدوین این طرحها شاید کم رنگ نمود نماید. در این پژوهش با تکیه بر درسهای از گذشته، مطالعات انجام شده و روش توصیفی- تحلیلی توسط نگارندگان راهکارهایی اجرایی در جهت پررنگتر شدن نقش طراحی شهری جهت کمک به ارتقای طرحهای توسعه شهری در ایران تدوین شده است نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که طراحی شهری میتواند نقش بسزایی را در تهیه و تنظیم این مهم ایفا نماید.

واژگان کلیدی: طراحی شهری، سلسله مراتب، توسعه شهری، طرح توسعه.

مقدمه

شهر به عنوان واقعیتی جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و جامعه شناختی در هر دوره ای از رشد و تحول خود از هر کدام از این عوامل تأثیر پذیرفته و بر هر کدام از آنها تأثیر گذاشته است. پیچیدگی هر یک از این عوامل خود موجب پیچیدگی شهر به عنوان تبلور فضائی آنها بوده است. مطمئناً سازمان دادن و نظم بخشیدن به شهر و چگونگی رشد و تحول آن نیازمند موضوع شناسی شهر و مسائل شهری و سپس برنامه ریزی برای آن می باشد. (پور احمد، حاتمی نژاد، حسینی، ۱۳۸۵)

رشد و تحول سریع شهرها در قرن اخیر و به خصوص در چند دهه اخیر باعث رواج طرحهای شهری برای موزون ساختن توسعه های شهری شد و کشورهای صنعتی و پیشرفته به عنوان اولین کشورها اقدام به طرح ریزی برای شهرهای خود نمودند. در ایران نیز رشد و توسعه شهری هر چند با تأخیر شروع شد اما در عمل در برگیرنده همان مشکلاتی است که شهرهای غربی با آن روبرو بودند در برگیرند. در واقع "تحولات شهرسازی ۲۰۰ سال اخیر جهان صنعتی و ۱۰۰ سال گذشته ایران تفاوتی جز تفاوت زمان و مکان ندارد. مشکل اصلی هر دو تأخیر در ادراک ضرورت، واقعیات و خامی در تدبیر و اندیشه های شهرسازی است" (شارمند، ۱۳۸۲: ۱۱).

از شروع تهیه طرحهای شهری در ایران حدود چهار دهه می گذرد. اما با وجود کسب تجارب فراوان تهیه کنندگان و مجریان امور شهری، در عمل طرحهای شهری نتوانستند در مسیر توسعه برنامه ریزی شده شهرها به رغم برخی جنبه های مثبت موفق باشند. یکی از اقداماتی که می تواند در جریان اصلاح روندهای نادرست و مشکلات طرحهای جامع مورد توجه قرار گیرد، آسیب شناسی طرحهای توسعه شهری است زیرا با نگاهی نقادانه به چگونگی تهیه، اجراء و محتوای طرحها می توان مسائل و مشکلات راشناخت و راهکارهایی را برای جلوگیری از شدت یافتن مسائل تدارک دید.

"شهر یک سیستم اجتماعی پویا و باز است که در آن سه سطح از حرکت مکانیکی، زیستی و اجتماعی در هم آمیخته و با انواع فراسیستمها و زیر سیستمهای متعدد در ارتباط است. بنابراین برنامه ریزی شهری مستلزم ایجاد یک نظام یکپارچه از سطوح مختلف برنامه ریزی است که نحوه پیوستگی و هماهنگی میان سیستمهای فرادست و فرودست را نشان دهد (مهدی زاده، ۱۳۸۲: ۸۰-۸۱) توجه به این نکته نیز ضروری است که کل نظام مداخله در امور شهرها بر طرحهای توسعه شهری متکی است. به عبارت دیگر اجزاء نظام یعنی قوانین و مقررات، تشکیلات و روشها با این فرض شکل گرفته اند که طرحهای توسعه شهری ابزار قانونی و فنی مداخله در امور شهرهاست. بنابراین عدم طراحی صحیح، کل نظام مداخله در امور شهرها را مختل میکند (غمامی، ۱۳۷۱: ۲۹)

مرور مختصری بر فرایند تهیه و تصویب طرحهای توسعه شهری نشان دهنده وجود برخورد متمرکز و آمرانه در تهیه آنهاست. همانطور که گفته شد اولین طرحهای توسعه شهری از سوی دولت و با تشخیص اولویت دستگاه حاکم نسبت به تهیه طرح شهری برای هر یک از شهرهای کشور تهیه شدند. به وضوح نمی توان تأثیر چنین سیستم شهرسازی آمرانه ای را در همه زمینه های شهری از جمله طرحهای توسعه شهری نادیده گرفت. طرحی که بر اساس اعتبار سازمان مدیریت و برنامه ریزی و تصمیم وزارت مسکن و شهرسازی و یا وزارت کشور و عقد قرار داد یکنواخت با مشاور تهیه می شود بدون آنکه در بسیاری موارد مجری طرح یعنی شهرداری با آن ارتباط برقرار کند و یا مردم به عنوان کسانی که طرح درباره محیط زندگیشان تهیه شده از آن اطلاعی یابند، به طور یقین اگر نتوان آن را در اجراء موفق دانست، می توان گفت مشکلات زیادی در اجراء پیش رو خواهد داشت" (تشکر، ۱۳۷۹: ۷) به همین دلیل به جرات میتوان گفت که مشارکت بیشتر طراحان شهری در تهیه طرحهای توسعه شهری میتواند بسیار مسمر ثمر واقع گردد، در این راستا در این پژوهش نگارندگان با هدف ارتقای جایگاه طراحی شهری در سلسله مراتب طرحهای توسعه شهر در ایران و رفع این مشکلات راهکارهایی اجرایی را تدوین و مورد بررسی قرار داده اند.

روش تحقیق

در این پژوهش بر اساس داده ها و اطلاعات به دست آمده از مطالعه منابع کتابخانه ای و اسناد و مدارک مربوطه سعی شده است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی داده ها و اطلاعات گردآوری شده پرداخته و در نهایت به نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد برای اصلاح نارساییها پرداخته شود.

مروری بر پیشینه نظری پژوهش

از شروع انقلاب صنعتی شهر به طور روزافزونی ذهن آدمی را به عنوان یک موضوع مورد مطالعه به خود مشغول ساخته است و بدون شک همانگونه که شهرها به توسعه خود ادامه می دهند پدیده شهر نیز توجه زیادی را به خود معطوف خواهد کرد. رشته هایی از قبیل انسان شناسی، اقتصاد، جغرافیا، علوم سیاسی و جامعه شناسی علاقه خاصی به تحقیق و تمرکز بر روی جوامع شهری پیدا کرده اند (chapin, 1965: 7) تأثیرات انقلاب صنعتی در شهرهای اروپایی سبب گسترش بی سابقه آنها می شود. این توسعه به مرور زمان مشکلاتی برای این شهرها ایجاد می کنند و از این زمان به بعد اندیشه برنامه ریزی و طرح ریزی برای شهر به طور جامع شکل می گیرد که ایجاد اندیشه های

آرامنشهری همانند فوریه و اون و بعدها هاوارد و دیگران را می توان پیامد نارساییهای محیط شهری دانست. (پور احمدی، حاتمی نژاد، حسینی، ۱۳۸۵)

"به طور کلی سیر تحول نظریات و روشها و تجربیات طرح ریزی شهری در کشورهای اروپایی را می توان به چهار دوره تقسیم کرد:

- ۱- مرحله اول از اوایل قرن نوزدهم تا اواخر این قرن را در بر می گیرد که مراحل اولیه شکل گیری شهر معاصر اروپای غربی در این دوره است. در این دوره بخش اعظم توسعه شهرها بدون اتکا به هر نوع طرح و برنامه ای صورت می گیرد. در این زمان شهرسازی به مثابه یک حرفه هنوز وجود ندارد و نظریاتی که درباره توسعه شهرها مطرح می شود عمدتاً از زبان نظریه پردازان مسائل اجتماعی است.
- ۲- مرحله دوم که یک دوره زمانی را از اوایل قرن بیستم تا اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی در برمی گیرد. در این دوره اصول نظری شهرسازی مدرن پایه ریزی می شود که در عمل صرفاً در مقیاسی محدود به کار می آید.
- ۳- مرحله سوم یک دوره ۲۰ ساله را در برمی گیرد که از دهه ۱۹۵۰ آغاز می گردد و تا اواخر دهه ۱۹۶۰ ادامه می یابد. در این دوره تغییر مهمی در اصول نظری شهرسازی مدرن که در نیمه اول قرن کنونی شکل گرفته، رخ نمی دهد. اما در تجربه عملی برخلاف مرحله قبل از طرحهای شهری در مقیاس وسیع برای توسعه و بازسازی شهرهای بعد از جنگ استفاده می شود.
- ۴- مرحله چهارم که از اواسط دهه ۱۹۶۰ آغاز می شود نقطه عطفی در سیر تحول نظریات و روشهای عملی طرح ریزی شهری بشمار می رود. در این دوره دیدگاه جدیدی که دیدگاه سیستمی نامیده می شود شکل می گیرد و موجب تحول اصول نظری و روشهای عملی رایج تا آخرین دهه می شود" (شارمند، ۱۳۸۲: ۲۴)

به طور کلی فرایند تهیه طرحهای توسعه شهری از گرایش کالبدی و فیزیکی صرف در ابتدای شکل گیری اندیشه طرح ریزی برای شهرها به سوی تلفیق اهداف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و کالبدی پیش می رود و با توجه به پیچیده تر شدن محیط های شهری و گسترش متغیرها و عوامل دخیل در رشد و توسعه شهرها و تغییرات و دگرگونی های وسیع در علوم، نظریات و اندیشه ها و رشد آگاهیهای اجتماعی مردم و بالتبع در محیط انسانی، نظریات و گرایشهای برنامه ریزی در جهان به سوی نگرشهای ساختاری- راهبردی، برنامه ریزی گام به گام و برنامه ریزی مشارکتی و ... در جهت مقابله با تغییرات ناگهانی و ایجاد طرحهای سیال و انعطاف پذیر حرکت می کند .

انواع و سلسله مراتب طرحهای توسعه ملی :

به طور کلی طرح های توسعه شهری و منطقه ای در نظام برنامه ریزی شهری ایران عبارتند از: طرح جامع سرزمین- طرح کالبدی ملی و منطقه ای- طرح توسعه و عمران (جامع) ناحیه ای- طرح مجموعه شهری- طرح سازماندهی فضا و سکونتگاههای روستایی -طرح جامع شهر- طرح تفصیلی شهر- طرح هادی شهر- طرح بهسازی و نوسازی و بازسازی و مرمت بافتها- طرح آماده سازی توسعه های جدید در شهرها- طرح هادی روستا- طرح شهرهای جدید- طرح شهرک های مسکونی

طرح جامع سرزمین:

این طرح بر اساس بند ۱ ماده ۱ قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی چنین تعریف شده است: طرح جامع سرزمین طرحی است که شامل استفاده از سرزمین در قالب هدفها و خط مشی های ملی و اقتصادی از طریق بررسی امکانات و منابع و مراکز جمعیتی شهری و روستایی کشور و حدود و توسعه و گسترش شهرها و شهرکهای فعلی و آینده و قطبهای صنعتی و کشاورزی و مراکز جهانگردی-خدماتی بوده و در اجرای برنامه های عمرانی بخشهای عمومی و خصوصی ایجاد نظم و هماهنگی می کند.

طرح کالبدی ملی و منطقه ای:

طرح های کالبدی ملیو منطقه ای با هدف مکان یابی برای گسترش آینده شهرهای موجود و ایجاد شهرها و شهرکهای جدید پیشنهاد شبکه شهری آینده کشور یعنی اندازه شهر چگونگی استقرار آنها در پهنه کشور و سلسله مراتب میان شهرها به منظور تسهیل و مدیریت سرزمین و امر خدمات رسانی به مردم و پیشنهاد چهارچوب مقررات ساخت و ساز در کاربردهای مجاز زمین های سرار کشور تهیه می شود.

طرح توسعه و عمران (جامع) ناحیه ای:

این طرح به منظور تدوین سیاستها و ارایه راهبردها در زمینه هدایت و کنترل توسعه و استقرار مطلوب مراکز فعالیت، مناطق حفاظتی و همچنین توزیع متناسب خدمات برای ساکنان شهرها و روستاها در یک یا چند شهرستان که از نظر ویژگیهای طبیعی و جغرافیایی همگن بوده و از نظر اقتصادی، اجتماعی و کالبدی دارای ارتباطات فعال متقابل باشند تهیه می شود.

طرح جامع شهر:

طرح بلند مدتی (۱۱ ساله) که در آن نحوه استفاده از اراضی شهری و منطقه بندی در حوزه های مسکونی، آموزشی، صنعتی، بهداشتی، اداری و کشاورزی تعیین می گردد. به همراه این کاربریها و منطقه بندی خطوط کلی ارتباطی، ترمینالها و فرودگاهها و محالت نوسازی و بهسازی و اولویتهای مربوط به آنها نیز با تصویب ضوابط و مقررات مربوط به حفظ بناها و مناظر شهری تهیه و تنظیم می گردد.

طرح تفصیلی شهر:

طرحی است که بر اساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع شهر، نحوه استفاده از اراضی شهری در سطح محالت با موقعیت و مساحت دقیق زمین، میزان تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی در واحدهای شهری و اولویتهای مربوط به مناطق نوسازی، توسعه و حل مشکلات شهری و موقعیت کلیه عوامل مختلف شهری در آن تعیین می شود و نقشه ها و مشخصات مربوط به مالکیت بر اساس مدارک ثبتی تهیه و تنظیم می گردد.

طرح هادی شهر:

این طرحی است که در آن جهت گسترش آتی شهر و نحوه استفاده از زمینهای شهری برای عملکردهای مختلف به منظور حل مشکلات حاد و فوری شهر و ارایه راه حل های کوتاه مدت و مناسب برای شهرهایی که دارای طرح جامع نمی باشند تهیه می شود.

طرح مجموعه شهری

این طرح بر اساس مصوبه شماره ۹۸۶۰/ت/۱۵۳۱۱/ه مورخ ۱۳۷۴/۸/۱۳ هیات وزیران برای شهرهای بزرگ و شهرهای اطراف آنها تهیه می شود.

طرحهای بهسازی، نوسازی، بازسازی و مرمت بافتها

طرحهای بهسازی، نوسازی، بازسازی و مرمت بافتها طرحهایی هستند که برای بهسازی، نوسازی و بازسازی محلات شهر اعم از قدیم، جدید و یا مسالهدار به عنوان طرح تفصیلی بخشی از بافت موجود شهر تهیه می شوند.

طرح آماده سازی توسعه های جدید در شهرها

این طرحها شامل مجموعه عملیات لازم برای مهیا نمودن زمین جهت احداث ممکن و تأسیسات لازم مربوط مطابق قانون زمین شهری و آیین نامه های اجرایی آن است و به عنوان طرح تفصیلی توسعه های جدید شهری تهیه می گردد.

طرح طراحی شهری

طراحی شهری دانشی است که ارتقای کیفیت محیط را بر اساس ادراک و رفتار مردم کارشناسان و مدیران ملحوظ دارد.

طرح شهرهای جدید

عبارت است از طرحهایی که برای ایجاد شهرهای جدید طبق تعریف ماده (۱) تصویب نامه شماره ۲۳۴۰/ت/۲۷۶-ه مورخ ۱۳۷۱/۶/۲۵ در قالب طرحهای کالبدی ملی و منطقه ای و جامع ناحیه ای ضرورت و مکان ایجاد آنها با سقف جمعیتی و نوع فعالیت معین به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران خواهد رسید و متعاقب آن و مانند سایر شهرها بایستی برای آنها طرح جامع و تفصیلی تهیه شود.

طرح شهرک های مسکونی

طرح شهرک های مسکونی طرحی که برای ایجاد یک مرکز جمعیتی جدید در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها - مصوب ۱۳۵۵ - تهیه می شود.

طرح هادی روستا

عبارت از طرحی است که ضمن ساماندهی و اصلاح بافت موجود میزان و مکان گسترش آتی و نحوه استفاده از زمین برای عملکردهای مختلف از قبیل مسکونی، تولیدی، تجاری و کشاورزی و تأسیسات و تجهیزات و نیازمندی های عمومی روستایی را حسب مورد در قالب مصوبات طرحهای ساماندهی فضا و سکونتگاه های روستایی یا طرحهای جامع ناحیه ای تعیین می نماید.

طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرحهای توسعه شهری :

منشاء اولیه اندیشه برنامه ریزی، به اعمال حاکمیت دولت و تسهیل و توجیه دخالت دولتها در اداره امور سیاسی، نظامی و اقتصادی کشورها برمی گردد. بنابراین اولین الگوهای برنامه ریزی، خصلتی کلان، اقتصادی و آمرانه داشت. در بستر چنین شرایطی «برنامه ریزی شهری» نیز در اوایل قرن بیستم با این هدف به وجود آمد که تمام فعالیت های مربوط به توسعه و عمران شهری را، چه در حال و چه در آینده، تحت انتظام و نظارت بخش دولتی در آورد. این نوع برنامه ریزی، بر پایه نظرات «برنامه ریزی جامع» یا «برنامه ریزی عقلانی» استوار بود که در عمل، به صورت الگوی طرح های جامع سنتی در جهان، شهرت پیدا کرد. اما پس از چند دهه تجربه و بروز مشکلات و نتایج ناموفق طرح های جامع

در اروپا و آمریکا، از اواخر دهه ۱۹۶۰، نظریه برنامه‌ریزی جامع، مورد انتقادات جدی و تجدیدنظر قرار گرفت و به جای آن، رویکرد سیستمی و نظریه برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک) در برنامه‌ریزی شهری به کار گرفته شد. این رویکرد جدید، اگرچه دستاوردهای گرانقدری در زمینه بهبود و تکامل برنامه‌ریزی شهری، از جمله توجه بیشتر به طراحی شهری به بار آورد، ولی در میدان تجربه، مشکلات و تنگناهای جدیدی را (به خصوص در زمینه اجرا و مدیریت طرح‌های توسعه و عمران) به ظهور رساند که به پیدایش اندیشه‌ها و اصلاحات جدیدتر منجر گردید. در حدود دهه ۱۹۸۰، به دنبال ظهور تحولات نوین سیاسی، اجتماعی و فکری در جامعه غربی، در عرصه برنامه‌ریزی و طراحی شهری نیز تحولات چشمگیری صورت گرفت که الگوها و چشم‌اندازهای کاملاً متفاوتی را در این زمینه مطرح ساخته است، از جمله می‌توان به رویکرد و پارادایم‌های جدید مثل برنامه‌ریزی گام‌به‌گام، برنامه‌ریزی فرایندی، برنامه‌ریزی دموکراتیک، برنامه‌ریزی مشارکتی و برنامه‌ریزی حمایتی اشاره کرد. تحولات یادشده را در سه دوره می‌توان دسته‌بندی نمود:

۱. الگوی برنامه‌ریزی جامع و طرح‌های جامع

۲. رویکرد برنامه‌ریزی ساختاری-راهبردی

۳. رویکرد برنامه‌ریزی دموکراتیک و مشارکتی به نظر می‌رسد که تاکنون روش دموکراتیک و مشارکتی، بیشترین توجه را به مسائل روز چون توسعه پایدار، مشارکت مردمی و عدالت اجتماعی داشته و در الگوهای جدید طرح‌های توسعه شهری، توجه به مسائل طرح‌شده در آنها، طرح را به سوی پاسخگویی به نیازهای روز هدایت می‌کند. اما نکته مهم این است که این نگرش‌ها در تهیه طرح‌ها، تنها به مباحث کمی مورد توجه در مسائل برنامه‌ریزانه می‌پردازند و آنچه بدون متولی باقی می‌ماند، مباحث طراحی شهری است. مسائلی چون پایداری، خوانایی، سرزندگی و... که از دغدغه‌های طراحی شهری در محیط است و لازم است تا با ورود مباحث کیفی در طرح‌ها، این نیازها تأمین و به آنها توجه شود. از این رو، حضور طراحی شهری به عنوان متولی مباحث یادشده جهت ارتقای کیفیت محیط شهری در کنار مباحث برنامه‌ریزی ضروری است، چرا که امروزه حضور مردم در فضاهای شهری از اولویت اصلی برخوردار بوده و مشارکت و حضور آنها چه در مراحل تهیه طرح و چه برای تحقق‌پذیری طرح‌ها ضروری هستند و حفظ محیط زندگی برای نسل‌های آینده، پایداری، ایمنی و سایر مقولات کیفی بدون حضور طراحی شهری ممکن نمی‌باشد. شهر، مقوله پیچیده‌ای است که حل مشکلات آن همکاری و همفکری کلیه رشته‌ها و تخصص‌های مربوط به آن را می‌طلبد. نه می‌توان صرفاً مسائل فنی آن را مد نظر قرارداد و نه می‌توان فقط به مسائل زیباشناختی آن توجه کرد. هر رشته و تخصص، فقط می‌تواند گوشه‌ای از واقعیت موجود را آشکار کرده و راه‌حل مورد نیاز را پیشنهاد کند. عدم شناسایی کلیه جوانب و ابعاد یک شهر و عدم هماهنگی میان پیشنهادها و بخشی تخصص‌های مختلف، نه فقط جامعیت طرح را زیر سؤال می‌برد، بلکه می‌تواند برای آینده شهرنیز فاجعه‌آمیز باشد.

دانش طراحی شهری نیز فقط یکی از تخصص‌هایی است که از دیدگاه خود به شهر و مسائل آن می‌پردازد. این رشته می‌بایستی به عنوان یک تخصص، مکمل فعالیت‌های دیگر برنامه‌ریزی بوده و توسط بخش‌های تخصصی دیگر نیز تکمیل گردد. لذا دانش طراحی شهری امروزین، فعالیت تخصصی خود را در فرایندی فرارشته‌ای تعقیب و تثبیت می‌کند. داعیه نقش هماهنگ‌کننده و رهبر ارکستر برای طراحی شهری به همان اندازه انحرافی است که کتمان و انکار نقش مؤثری که این رشته در ارتقای کیفیت محیط شهری دارد. نه وجود طرح‌هایی به نام «طراحی شهری» شاهی برای داعیه اول است و نه عدم وجود فصلی مستقل در طرح‌های جامع امروزین اروپا و آمریکا دلیلی بر بی‌اهمیت بودن مسائل کیفی است.

محور اصلی دانش طراحی شهری کیفیت محیط شهری است. این کیفیت در مورد عناصر مختلف شهری تجلی‌های گوناگون می‌یابد. این خوانایی از الگوی شهر گرفته تا حس مکان برای فضاهای شهری و از ایمنی و راحتی شبکه حمل و نقل خصوصاً پیاده گرفته تا دسترسی آسان پیاده به مراکز شهری و تداوم و پیوستگی فضاهای شهری را شامل می‌شود. (انصاری نیا، ۱۳۷۷: ۱۱)

تجلی تحقق این کیفیات، طیف وسیعی از مسائل گوناگون را از سیما و منظر سه بعدی شهر تا مسائل مدیریتی در بر می‌گیرد و بالطبع از طراح گرفته تا مدیر شهری هر یک به نوعی با آن درگیر می‌شوند. تحقق کیفیت مصنوع بی‌تردید با سطح انتظارات و توقعات شهروندان رابطه مستقیم دارد. کشف راه‌های متنوع و موفق برای انتقال نتایج کاربردی اصول طراحی شهری به شهروندان قدرت تشخیص کیفیت‌های نازل محیط را در آنها افزایش خواهد داد و شهروندان به صورت نیروی سیاسی در مقابل فرسایش محیط شهری و تخریب آن عکس العمل نشان خواهند داد.

در ادامه همین موضوع باید اشاره کرد که ارتقای آگاهی عمومی و افزایش دانش محیطی آنان از وظایف طراحی شهری است، اما باید توجه داشت که دانش طراحی شهری دانشی در کنار سایر علوم شهری است و می‌بایست توانایی برقراری ارتباط و همکاری با سایر دانش‌های مداخله شهری را داشته باشد. هر چند امروزه کمتر دانشی را می‌توان یافت که به نوعی با موضوعات شهری درگیر نباشد، اما زمینه‌های خاصی وجود دارند که مستقیماً با شهر در ارتباط اند، این تخصص‌ها دامنه وسیعی از برنامه‌ریزی‌های کاربری و حمل و نقل تا اقتصاد شهری، جامعه‌شناسی شهری، حقوق شهری مدیریت شهری، محیط زیست و روان‌شناسی را در بر می‌گیرند. تمام دانش‌های مداخله گر شهری

در شبکه ای پیچیده و متعامل به هم مرتبط هستند ولی موفقیت آنها بستگی به حمایت و مشروعیت قانونی جایگاه هر یک و نیز حمایت و آگاهی عموم دارد. (سلطانی آزاد، ۱۳۸۱)

طراحی شهری نیز در تمام مقیاسها پا به پای سایر دانشها متولی کیفیت و پایداری محیط شهری است. به این ترتیب طراحی شهری در خدمت ارتقای کیفی محیط و توسعه پایدار آن است، که سه عنصر فرم، عملکرد و معنای شهر را در بر میگیرد. طراحی شهری به بررسی ادراک شهروندان از فضا و رفتارهای آنها می پردازد و در خدمت بهینه سازی آنهاست. پرداختن به خاطرات و تجربیات مردم و افزایش تعاملات اجتماعی، در تخصص طراحی شهری (و نه هیچ تخصص دیگری) است. طراحی شهری به هر حال از دانشهای دیگر کمک می گیرد و چیزی فراتر از آرایش و پرداختن به ظاهر و به عبارتی طرفا زیباسازی ظاهری است. مهمترین دغدغه طراحی شهری مباحث ادراک و رفتار انسان ها در محیط شهری و حفظ و ارتقای کیفیت شهر برای تمام شهروندان و برای تمام نسل هاست. (سلطانی آزاد، ۱۳۸۱)

جایگاه طراحی شهری در اسناد هدایت توسعه

در اغلب نظام های شهرسازی موفق، اسنادی سازماندهی شده و جامع نگر، هدایت کیفیت و کمیت های معماری و شهرسازی را بر عهده دارند. هویتمند بودن معماری و شهرسازی، بدون ساز و کاری علمی در هدایت و کنترل کیفی توسعه های شهری محقق نخواهد شد. تأثیر اسناد عمومی هدایت توسعه در شهرسازی بر کیفیت طراحی شهری در یک محدوده، امری بدیهی به نظر میرسد (لنگ، ۱۳۸۷) با اشاره به نتایج یک بررسی در مورد اثرات مقررات کاربری زمین در هوستون تگزاس اشاره میکند که نشان دهنده آثار ناخواسته آنها بر کیفیت مکانهای شهری بوده است. وی تأکید میکند در تهیه و تدوین تک تک مقررات برنامه ریزی لازم است اثرات سه بعدی این مقررات و نحوه عملکرد آنها به عنوان یک نظام کنترل به طور کامل شناخته شود (لنگ، ۱۳۸۷) از سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ که ارتقاء کیفیت محیط در برنامه های توسعه غرب، نقشی حیاتی یافت و موضوعات طراحی شهری در محتوای برنامه های توسعه شهری حضور فعال پیدا کرد، حلقه های سیاستگذاری دارای جایگاه ویژه ای در فرآیند تصمیم سازی و تصمیم گیری گردید. ادموند بیکن در مقاله طراحی شهری به عنوان یک اجبار در برنامه ریزی جامع شهر در ۱۹۶۳ شاید برای اولین بار جایگاه طراحی شهری در اسناد هدایت توسعه شهر از مقیاس خرد تا کلان را تبیین نمود (Bacon, 1963) حدود سه دهه بعد پانتر و کارمونا در قالب کتاب بعد طراحانه برنامه ریزی شهری، با رویکردی اجرایی و عملیاتی، طراحی شهری را به عنوان یکی از ارکان نظام برنامه ریزی شهری در قالب سیاستهای طراحی معرفی نمودند. آنان تدوین سیاستهای طراحی را در عملیاتی شدن کیفیتهای محیطی بسیار مؤثر میدانند. (Carmona & Punter, 1997)

کتاب به کمک طراحی: طراحی شهری در نظام برنامه ریزی از دیگر منابعی است که با رویکرد تهیه اسناد به تبیین جایگاه طراحی شهری پرداخته است. در این کتاب مؤلفه های هفت گانه ای به همراه اسناد اجرایی آن به منظور اجرایی شدن مباحث محتوایی طراحی شهری ارائه گردیده است. (DETR & CABA, 2000).

در کشورهای توسعه یافته، اهمیت کیفیت طراحی در شهر، در نظام قانونگذاری و اجرایی به رسمیت شناخته شده است. ضرورت حضور طراحی در نظام برنامه ریزی شهری در انگلستان عموماً از طریق قوانین پشتیبان طراحی در قوانین برنامه ریزی شهری در طول سالهای اولیه شکلگیری نظام برنامه ریزی تا کنون تقویت شده است. این رهنمودها و بیانیه ها را میتوان آیین نامه هایی تلقی کرد که اهداف حکومت مرکزی را در زمینه برنامه ریزی و طراحی بیان میکنند (بنکدار، قزایی و برک پور، ۱۳۹۱) سیستم جدید برنامه های توسعه در انگلستان بر چارچوب توسعه محلی تمرکز یافته است. این دستورالعمل که یک چارچوب کیفی گرا و طراحی محور است جایگزین برنامه یکپارچه توسعه شهر شده است. توجه به استقرار کاربری و خدمات لازم، پاسخگویی به عملکردها و توجه به لایه های هویتی مانند حس مکان در این چارچوب دیده شده است (عباسزادگان و همکاران، ۱۳۹۲) در این کشور برنامه ریزی سنتی کاربری زمین، جای خود را به برنامه ریزی طراحی محور داده است که چندوجهی است و به یکپارچه سازی سیاستهای توسعه و کاربری زمین با سایر رویکردهایی که معنا و عملکرد مکان را مورد توجه قرار میدهد میپردازد. (DETR & CABA, 2000).

طراحی شهری در قوانین اجرایی ایران

ضعف جایگاه قانونی طراحی شهری در نظام قانونگذاری و تهیه چارچوب اسناد توسعه شهری در ایران، بستر تحقق ابعاد کیفی در شهر را دچار مشکل نموده است. به عقیده بنکدار و همکاران (۱۳۹۱) در نظام برنامه ریزی شهری کنونی کشور، به ویژه در طرحهای توسعه شهری، تصویرچندان روشنی از حوزه عمل و فرآیند تهیه طرحها و تحقق پذیری و نیز جایگاه قانونی حیطه طراحی شهری وجود ندارد. ارائه الگو و ساز و کاری مشخص در زمینه جایگاه صحیح طراحی شهری در نظام برنامه ریزی در گرو شناخت و توجه به جایگاه طراحی شهری در نظام هدایت توسعه شهری است. این امر در دهه اخیر در میان نهادهای دولتی متولی امر شهرسازی مورد توجه بوده است، اما کماکان به توفیقی دست نیافته است. یافته ها نشان میدهند تفرق عملکردی در ترتیبات نهادهای قانونگذار و تهیه کننده و نیز نهادهای اجرایی در حوزه

اختیارات و تصمیم سازی و تصمیم گیری، نبود هماهنگی و همکاری بین بخشی در دستگاههای ذیربط، فقدان سیاستهای طراحی مشخص در برنامه های فرادست اسناد طراحی شهری، ضعف در حوزه مشارکت مردمی، عدم نظارت و بازنگری در اسناد تهیه شده، ضعف در نهادهای مطالعاتی و پژوهشی به لحاظ درجه استقلال و سیاستگذاری از مهمترین مشکلات رویه ای پیش روی اسناد هدایت طراحی شهری در نظام برنامه ریزی ایران هستند (بنکدار و همکاران، ۱۳۹۱).

در قوانین و مصوبات موجود نیز به ندرت میتوان محملی برای تهیه اسناد طراحی شهری یافت. یکی از مستندات قانونی که میتوان مبنای تهیه اسناد طراحی شهری دانست، پیوست ۵ قرارداد تیپ ۱۲ است. به طور کلی قرارداد تیپ ۱۲ به تهیه طرحهای توسعه و عمران حوزه نفوذ و تفصیلی شهرها اختصاص دارد و پیوست ۵ آن به انجام مطالعه و تهیه نقشه های جزییات شهرسازی مربوط به برنامه ۵ ساله عمرانی شهر میپردازد. بر اساس پیوست ۵ لازم است، نقشه های جزییات شهرسازی خیابانها و معابر احداثی و تعریضی، جزییات شهرسازی میدانها و فضاهای باز شهری، پارکها و فضاهای سبز و جزییات شهرسازی مراکز محلات و دیگر مناطق پیشبینی شده تهیه شود (گلکار، ۱۳۸۸).

نتیجه گیری و ارائه راهکارهای ارتقای جایگاه طراحی شهری در سلسله مراتب طرحهای توسعه شهری در ایران

طراحی شهری دانش نسبتاً جدیدی است. پس از انقلاب صنعتی، افزایش جمعیت، آلودگی هوا، پیشرفت فناوری و گسترش بیرویه شهرها منجر به کاهش کیفیت زندگی شهری گردید. جنگ جهانی دوم و گسترده‌گی خرابیهای ناشی از آن نیز بر اهمیت توجه به دانشهای حوزه "شهرسازی" افزود.

تا پیش از انقلاب صنعتی، مفهوم شهر و ویژگیهای آن در چهارچوبهای معینی قابل تعریف و تبیین است. با انقلاب صنعتی (اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم)، و ظهور مفاهیم مربوط به تولید صنعتی و جای گرفتن کارگاهها و کارخانهها در شهرها چهره شهرها دگرگون شد. افزایش جمعیت، آلودگی هوا، پیشرفت تکنولوژی و گسترش بیرویه شهرها باعث پایین آمدن کیفیت زندگی شهری و عوض شدن مفهوم شهر بود. به دنبال این تحولات، اولین تفکرات شهرسازی شکل گرفت. با این حال تنها پس از جنگ جهانی دوم و به دلیل گسترده‌گی خرابیهای ناشی از آن بود که طراحی شهری به عنوان یکی از علوم مربوط به شهر جایگاه ویژه‌ای در حل مسائل شهر پیدا کرد. پس از فروپاشی نظام سنتی شهرها، مسائل مربوط به شهر تا حد زیادی در قلمرو مهندسی و در اوایل قرن بیستم در حیطه کاری معماران بود. اما به مرور زمان و با شکلگیری مباحث و پارادایمهای جدید، طراحی شهری، به عنوان یک دانش فرارشته‌ای و یک رشته مستقل دانشگاهی، اما در ارتباط مستحکم با معماری و برنامه‌ریزی وارد عرصه نظر و عمل شد.

در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات برای شهر از دید مدیران شهری، طراحی شهری حداقل برنامه‌ریزی شهری و معماری محسوب می‌شود. طبق این نظر، مقیاس برنامه‌ریزی شهری، مقیاس کلان و براساس داده‌های آماری و پلانهای دو بعدی است. اما طراحی شهری مقیاس محدودتری دارد و ایده سه بعدی برنامه‌های تعیین شده است. (حسینی، ۱۳۹۴)

این در حالی است که طراحی شهری به روابط بین عناصر شهری و شکل سه بعدی این روابط می‌پردازد. و علاوه بر توجه به استانداردها و کمیتها، کیفیتها را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. بحث های زیبایی‌شناسی و کیفیت محیط و ارتباط مناسب توده و فضا، جزء لاینفک طراحی شهری هستند. با وجود عمر نسبتاً کوتاه طراحی شهری، نظریه‌های بسیار متفاوت و جریانهای فکری متعددی در رابطه با آن وجود دارند که تابع شرایط زمانی و مکانی بوده‌اند. اما بیشترین تلاشها در راستای مطلوبیت محیطهای انسانی و حفظ و ایجاد فضاهای انسان محور به شکل‌های مختلف بوده است. با توجه به گنجینه ارزشمند تمدنهای شهری از نظام سنتی شهرها و طراحی شهری که در بطن تمام شهرهای پیش از انقلاب صنعتی (در اروپا، خاورمیانه، آسیا و ...) وجود داشته و پیچیدگی مسائل شهری در دنیای امروز، جستجوی شهر ایده‌آل و راهکارهای رسیدن به آن، نیازمند همکاری تمام رشته‌های مربوط به شهر، از جمله طراحی شهری است. طراحی شهری طیف بسیار وسیعی از تفکرات با مقیاسهای بسیار متفاوت از سطوح کلان تا سطوح خرد را در برمی‌گیرد. علی‌رغم وجود بسیاری تعاریف جهانی، امروزه در هر نقطه از دنیا با توجه به ویژگیهای مختلف و تنوع بسیار زیاد مسائل شهری، طراحی شهری رنگ و بوی محلی یافته است. آنچه به عنوان طراحی شهری در امریکا مطرح است با آنچه در اروپا مورد بحث است تفاوت‌های عمیقی دارد. شهرهای شرق دور، شهرهای اسلامی و شهرهای جهان سومی هر کدام حائز ویژگیهای منحصر به فرد و تعاریف متفاوت از طراحی شهری در حوزه عمل و نظر هستند. در عین حال اصول، تاریخچه و اهداف مشترک، عامل نزدیکی این تعاریف متفاوت است. (آرمانشهر، ۱۳۸۳: ۳۵)

در شهری مانند تهران و اصولاً در شهر ایرانی از چه دریچه‌ای باید به طراحی شهری و مفاهیم مربوط به آن نگریست؟

در ایران با گذشت حدود چهل سال از ورود این رشته به تحصیلات آکادمیک، طراحی شهری، هنوز جایگاه مناسبی در تعاملات شهر نیافته است. پیچیدگی‌های مسائل شهری در ایران و به خصوص در شهرهای بزرگ، بومی نشدن دانش طراحی شهری با توجه به مؤلفه‌های

فرهنگی، اجتماعی شهرهای ایران و عدم رشد و بلوغ این رشته از جمله دلایل محدود ماندن آن است. علاوه بر این سودجویی در عرصه شهر، سوداگری زمین در شهرهای بزرگ و کوچک و در نتیجه جلوگیری تعمدی از ورود تفکرات شهرسازی به صحنه شهر نیز از جمله عوامل دور ماندن طراحی شهری از عرصه عمل است. تنوع و پیچیدگی مسائل در عرصه شهر ایرانی و بخصوص شهرهای بزرگی مانند تهران از جمله بافت‌های فرسوده و تاریخی، عدم وجود نظام هماهنگ در پرداختن به مسائل شهری و از اولویت خارج شدن طراحی شهری در سایه مشکلات دیگر مثل ترافیک و آلودگی هوا و غیره در به حاشیه رانده شدن طراحی شهری تأثیر بسزا داشته است. (زند، اسکندری، عباسی، ۱۳۹۷)

باور نداشتن به طراحی شهری در میان بسیاری از معماران نسل اول و دوم در ایران نیز از جمله عوامل مهجور ماندن طراحی شهری است. چنانچه برخی از بزرگترین طرح‌های شهرسازی زیر نظر معماران بزرگی انجام شده که بعضاً در مقام معمار بسیار خبره و کارآمد بوده‌اند اما به دلیل نداشتن دید لازم و کافی نسبت به شهر و مسائل مربوط به آن و مقیاس‌های بسیار متفاوت آن با معماری، طرح‌هایی ارائه داده‌اند که نسبتاً ناکارآمد یا غیر علمی بوده‌اند.

در سال‌های اخیر، طراحی شهری در ایران در حال بازیابی نقش خود است. توجه به این حوزه بخصوص در سطوح بالای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌تواند گام مثبتی در جهت بهبود وضعیت شهرها باشد. در عین حال تلاش طراحان شهری برای نزدیک شدن به بحث‌های عملی در شهر در کنار پی‌گیری مباحث آکادمیک و نظری نیز می‌تواند به ارتقاء کیفی پروژه‌های طراحی شهری بیانجامد. به نظر می‌رسد همکاری و هماهنگی میان حوزه‌های مختلف مربوط به شهر، همچنین ارتقاء سطح کیفی فعالیت‌های طراحان شهری، اولین قدم در راستای بازیابی نقش طراحان شهری و اثرگذاری این رشته در عرصه شهر است.

طرح‌های شهری تا دهه شصت قرن بیستم، با دیدگاهی عملکردگرایانه و خردگرایانه تهیه می‌گردیدند و مباحث کیفی در آنها مطرح نبود. در طول دهه یادشده جنبش انتقادی وسیعی بر ضد الگوهای طرح‌های جامع و تفصیلی به راه افتاد که بخش عمده ای از آنها معطوف به افول ارزش‌های کیفی و فرهنگی در شهرسازی جدید بود. به تدریج نارضایتی عمومی از محصولات این طرح‌ها و انتقادات شدید از آنها شکل گرفت. در دهه های هفتاد و هشتاد میلادی گروهی از طرح‌ها شکل گرفتند که به مباحث طراحی شهری و کیفیت محیط به عنوان بخش‌های جبرانی و مکمل طرح‌ها نگرستند. از اواخر دهه هشتاد، گروه دیگری از طرح‌ها به چشم می‌خورند که عنصر طراحی شهری در آنها فصل مستقلی نیست بلکه در تمامیت طرح، به صورت یک تفکر و رویکرد غالب خود را نشان می‌دهد (سلطانی آزاد، ۱۳۸۱)

نتیجه

کم توجهی به سنت مکان‌سازی در مجموع، سیر جهت‌گیری شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به دانش و حرفه طراحی شهری اگرچه رو به رشد بوده و تخصصی‌تر شده است، اما کماکان توجه به مباحث این حوزه، به خصوص رویکرد سنت مکان‌سازی در اولویت‌های توصیه و توجه مصوبات شهرسازی قرار ندارد. به نظر می‌رسد، دستیابی به جایگاه واقعی طراحی شهری در حوزه سیاست‌گذاری و پس از آن در حوزه حرفه و عمل در کشور، نیازمند توجه و اهتمام جدی‌تر مدیران و دست‌اندرکاران قانونگذاری کشور در سطوح ملی است.

- یکی دیگر از موارد قابل تأمل کمبود توجه به طرح‌های موضوعی - موضعی به عنوان مهمترین سند هدایت و بستر اجرایی طراحی شهری است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، اندک موارد توجه و اشاره به "طراحی شهری" در حاشیه بررسی و تصویب طرح‌های جامع و تفصیلی بوده و طرح‌های موضوعی - موضعی سهم اندکی از بررسی و تصویب در نهادهای ذیربط را داشته‌اند. وجود و تصویب اسناد بالادست در سطح شورای عالی به منظور تهیه چنین طرح‌هایی در "مقیاس میانی" در لایه‌های پایین‌تر نظام تصمیم‌گیری ضروری به نظری می‌رسد.

- به نظر می‌رسد عبور از "سنت بصری" و حتی "سنت اجتماعی" و توجه به رویکرد "مکان‌سازی" که با خود ابعاد اجتماعی، مردمی و نیز هویتی را داراست، به منظور ارتقاء و معاصر سازی خاستگاه‌های توجه به مقولات طراحی شهری لازم است.

- کم توجهی به فضاهای شهری در مقیاس‌های مختلف نیز، یکی از خلأهایی است که در توجه به موضع‌های طراحی شهری در ایران، قابل تأمل است. با توجه به آنکه "فضای شهری" مهمترین عرصه مورد دغدغه در دانش طراحی شهری است، تعیین جایگاه قانونی توجه به طرح‌های ساماندهی این فضاها، میتواند راهگشای عملیاتی شدن اینگونه طرح‌ها باشد.

- همکاری طراحان شهری در ترسیم سیاست‌های کلان دولت در زمینه آمایشی به عنوان خط مشی اصلی توسعه کلان کشور و به عنوان طرح‌های بالادست برای تمامی سطوح برنامه ریزی‌ها و سازمانها و نهادهای مسئول و ایجاد سازو کارهای قانونی برای اجرایی شدن آن می‌تواند مسمر ثمر واقع گردد.

- همکاری طراحان شهری در اصلاح نظام برنامه ریزی کشور از روند متمرکز و برنامه ریزی بالا به پایین به نظام غیر متمرکز و پایین به بالا در جهت ایجاد سازو کارهای مشارکت مردم، نهادهای محلی و متخصصان در تهیه و اجرای طرح‌ها به جهت آشنایی مسئولین محلی و مردم با ویژگیهای محیطی، نیازمندیها، توانمندیها و اولویتهای و دادن اختیارات قانونی به شورای اسلامی شهر به عنوان دولت محلی در جهت برنامه ریزیهای محلی و نظارت بر آنها. به عنوان مثال در جهت نظام برنامه ریزی غیرمتمرکز در کشور می‌توان تمهیداتی اندیشید تا قوانین

در سطح ملی به تصویب مراجع قانون گذاری برسد ولی در تهیه آیین نامه های اجرایی یا دستورالعملها، مراجع محلی (مانند شورای شهر و شهرداری) به دلیل داشتن اشراف به شرایط هر شهر، پیش نویس آیین نامه ها را تهیه و به مراجع مرکز ارسال کنند تا پس از کارشناسی و تقسیم بندی کشور از حیث مشترکات اقتصادی، اجتماعی و مانند آن آیین نامه های اجرایی با توجه به شرایط واقعی شهرها تهیه شوند.

• توجه به تمرکز زدائی در جهت مشارکت مردم در مراحل تهیه و بررسی طرح، به دلیل نقش مؤثر مشارکت مردم در واقعگرایی تدوین اهداف و قابلیت های اجرایی آن. به عبارت صحیح تر توجه به شهرسازی به عنوان یک مدل مدیریتی و مشارکتی و نه به عنوان یک مدل ریاضی و یا عمران. مدیریت توسعه مناسب با همکاری و مشارکت مردم تنها در جایی می تواند صورت گیرد که هر شخصی کوچکترین تعلق یا مسئولیت برای زندگی خویش احساس می کند. در واقع مدیریت شهری برای رفع مشکلات و دستیابی به اهداف چاره ای جز مشارکت گسترده به ویژه در تصمیمات مهم ندارد. از این رو لازم است ملازمات سیاسی و حقوقی مربوط به مشارکت گسترده همگان فراهم شود. تمرکززدائی یکی از ساز و کارهای زمینه ساز برای مشارکت است زیرا موجب تحرک، مسئولیت پذیری و هم افزائی بیشتر برای تصمیم گیری و اجرای بهتری می شود.

• لزوم همکاری بین وزارت مسکن و شهرسازی، مشاور و شهرداری در جریان برنامه ریزی و تهیه طرح جامع و مطالعات آن. برنامه ریزی شهری در رویکردهای جدید فرایندی مستمر است که با تهیه طرح به اتمام نمی رسد بلکه اجرا و مدیریت تغییرات محیطی نیز برعهده برنامه ریزان گذاشته شده است.

• وجود سلسله مراتبی از سطوح برنامه ریزی به طوری که سطح بالای برنامه ریزی، برنامه ریزی سطوح پایین را هدایت کند و خود با برنامه ریزی سطوح پایین محدود شود. به عبارتی بهتر پیروی از الگوی ساختاری- راهبردی در جهت مدیریت تغییرات که شامل سه سطح برنامه ریزی می باشد:

الف: تهیه طرح (برنامه) ساختاری- راهبردی در مقیاس کلان با دیدگاه سیاستگذاری بلند مدت و فراگیر؛

ب: تهیه برنامه ها و طرحهای محلی با دیدگاه سیاستگذاری اجرایی برای بخشی از شهر یا تمامی سطح شهر؛

ج: تهیه طرحهای موضوعی و موضعی برای موضوعات خاص و نواحی ویژه از شهر که نیاز به برنامه ریزی عملیاتی و اجرایی خاص دارند.

- توجه به انتخاب به متخصصان و طرحهای طراحی شهری در طرح جامع و تفصیلی
- برگزاری مسابقات طراحی به منظور ارتقاء فرهنگ عمومی در معماری و شهرسازی
- طراحی پهنه ها و محوره های تفریحی - فراغتی به وسیله طراحان شهری انجام شود
- مشارکت مردم (طراحی مشارکتی) به اینصورت که با فرهنگ سازی دانش طراحی شهری را در اذهان مردم دخیل کرد

منابع و مراجع

- [۱] انصاری نیا، سیاوش، (۱۳۷۷)، مسئولیت های طراحی شهری و مأموریت مسئولین، مجموعه مقالات طراحی شهری، سازمان زیبا سازی شهر تهران.
- [۲] بنکدار، احمد، قزایی، فریبا و ناصر برک پور (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی جایگاه اسناد طراحی شهری در نظام برنامه ریزی ایران و انگلستان. نشریه علمی - پژوهشی نامه معماری و شهرسازی، ۴ (۸)، ۱۴۷-۱۶۷.
- [۳] پور احمد، احمد، حاتمی نژاد حسین، حسینی، سید هادی، (۱۳۸۵)، آسیب شناسی طرح های توسعه شهری در کشور، مجله: پژوهشهای جغرافیایی - شماره ۵۸، زمستان ۱۳۸۵، صص ۱۶۷-۱۸۰.
- [۴] تشکر، زهرا، (۱۳۷۹)، طرحهای توسعه شهری؛ ناکارآمدی در اجراء، ماهنامه شهرداریها، سال اول، شماره ۱۲.
- [۵] حسینی، راحله، (۱۳۹۴)، تدوین معیارهای توسعه فضاهای زیرسطحی از منظر شاخصهای مدیریت بحران شهری، مجله علمی پژوهشی باغ نظر، شماره ۳۵ / سال دوازدهم/ مهر و آبان ۱۳۹۴، صص ۶۴-۵.
- [۶] روستا، مریم، قاسم پور، محمود، (۱۳۹۷)، بررسی جایگاه طراحی شهری در قوانین شهرسازی ایران، (تحلیل محتوای مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۹۵ ه.ش)، فصلنامه: دانش شهرسازی، دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۹-۳۲.
- [۷] سلطانی آزاد، فرهاد، (۱۳۸۱)، طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرحهای توسعه شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۹، بهار ۱۳۸۱، صص ۴۴-۵۵.
- [۸] عباسزادگان، مصطفی، بهزادفر، مصطفی و نینا الوندی پور (۱۳۹۲)، کاربست سیاستهای طراحی محور در فرآیند چارچوب توسعه اجتماعات محلی. نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۶، ۴۹۰-۵۹.
- [۹] غمامی، مجید، (۱۳۷۱)، بررسی و نقد اجمالی طرحهای جامع شهری، آبادی، سال دوم، شماره ۷.
- [۱۰] گلکار، کورش، (۱۳۸۸)، طراحی شهری سیاستگذار و طراحی شهری طرح ریز؛ الگوهای عملیاتی برای تدوین ابزارهای هدایت و کنترل در ایران. فصلنامه علمی- پژوهشی صفا، ۴۶، ۵۱۰-۶.
- [۱۱] لنگ، جان، (۱۳۸۷)، طراحی شهری؛ گونه شناسی، رویه ها و طرحها. ترجمه سید حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۲] مهدی زاده، جواد، (۱۳۸۲)، برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری، مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- [۱۳] مهندسین مشاور آرمانشهر، (۱۳۸۳)، طرح ویژه ساختاری و تفصیلی شهر بم مطالعات مدیریت بحران. وزارت مسکن و شهرسازی، ج ۵.
- [۱۴] مهندسین مشاور شارمند، (۱۳۸۲)، شیوه های تحقق طرحهای توسعه شهری در ایران، جلد اول، سازمان شهرداری های کشور، چاپ دوم.
- [15] Bacon, E.N. (1963). Urban Design as a Force in Comprehensive Planning. Journal of The American Planning Association, 29 (1), 2-8.
- [16] Carmona, M. Punter, J. & Chapman, D. (2002). From Design Policy to Design Quality; The Treatment of Design in Community Strategies, Local Development Frameworks and Action Plans. London: Thomas Telford Ltd
- [17] Chapin.J.R.F.Stuart, (1965) Urban land use planning, university of Illinois press, Urbana
- [18] DETR & CABE. (2000). By Design, Urban Design in the Planning System: Towards Better Practice. London: Thomas Telford.